ملاحظه استاد نسبت به فرمایش علامه درباره تعدد واختلاف نزول سنوی

شاگرد: قول علامه قول جدیدی هست که دو عرضه به جهت اختلاف کیفیت بوده باشد.

استاد: من جلوتر راجع به اختلاف عرضه، عرض کردم. در ذهن من چیزی بود که نزول سنوی و تعدد به‌گون‌ دیگری بود و اینطور نبود.

شاگرد: یعنی حرف شما تأیید این نبود؟

استاد: بله، اصلا ًگمان من به این صورت نبود. ما ثبوتا به‌گونه‌ای دیگری جلو رفتیم. اینکه هر سالی اختلاف بیاید، نبود ولذا آن عبارت قضیه جزیره خضراء که عبارت خیلی جالبی بود، عرضه اخیره را توضیح داده بود. عرضه اخیره ای که سید شمس الدین در جزیره خضراء توضیح داد را چند روز خواندیم. میگفت دفعه آخر جبرئیل آمد و همه را آورد «فالکل من قرائة امیرالمؤمنین[1]». یعنی طبق نقل سید شمس الدین در جزیره خضراء، تمام قرائات –سبعة احرف- در عرضه اخیره آمده است. نه اینکه عرضه اخیره تنها یک قرائت آمده باشد که همان قرائت آخری باشد. اینها شواهدی بود که در مباحثه دست به دست هم میداد.

> **تلميذ: ممكن نيست كه بگوئيم همانطوركه نحويّن مثل سيبويه و كسائى و غيرهما روى قواعدى كه در دستشان است اختلاف دارند يكى شعر عربىّ را بقسمى ميخواند؛ و ديگرى بقسم ديگر؛ در اعراب اختلاف دارند همينطور ابىّ بن كعب و زيد بن ثابت و ساير از قرّاء هم عرب بودهاند؛ اهل لسان بودهاند از حقيقت علم نحو و ادبيّت و عربيّت مطّلع بودهاند؛ و روى زبان مادرى و قواعدى كه در دستشان بود اينطور ميخواندهاند؛ و چنين بگوئيم كه اختلاف قرائت مستند به اختلاف و اجتهاد نظر خودشان است؟[2]**

این احتمال را به تفصیل سؤال میکنند.

> **علّامه: نه اينطور نيست؛ ظاهر اختلافشان از نقطه نظر روايات است؛ يعنى استنادشان به رسول اللّه مىدهند؛ مثلا در ملك يوم الدّين رواياتى داريم كه مىگويند رسول خدا هم ملك مىخواندهاند و هم مالك است؛ اگر دو روايت متواتر باشد لازمهاش اين است.قارى ملك بيشتر از مالك است؛ از هفت نفر قارى چهارتايشان ملك خواندهاند و مابقى آنها مالك خواندهاند؛ اعتبار هم با ملك مساعدتر است؛ بجهت آنكه يوم را معمولا به مالك نسبت نمىدهند به ملك مىدهند مىگويند: شاه فلان يوم نه مالك فلان يوم.مرحوم قاضى ره در نماز هم ملك مىخواندهاند؛ و در تفسير كشّاف وجوهى ذكر مىكند كه ملك اشمل و اعم و انسب است[3]**

«نه اينطور نيست»؛ تصريح ايشان است كه تعدد قرائات مستند به اجتهاد نيست.**«ظاهر اختلافشان از نقطه نظر رواياتاست؛ يعنى استنادشان به رسول اللّه مىدهند»؛** يعنى همانى كه صاحب وسائل در كتاب تواتر القرآن كسانى را كه اينها را به حضرت نسبت نمىدهند، مسخره كردند.

«مثلا در ملك يوم الدّين رواياتى داريم كه مىگويند رسول خدا هم ملك مىخواندهاند و هم مالك است؛ اگر دو روايت متواتر باشد لازمهاش اينست. قارى ملك بيشتر از مالك است». بعد از مرحوم آقاى قاضى نقل مىكنند كه ايشان «ملك» مىخواندند.

اين هم تذكرى بود كه دادند و ديدم نكات خوبى در بر داشت.

---

[1] بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج۵۲، ص: ۱۶۹؛ ... لما حج رسول اللّه ص حجة الوداع نزل عليه الروح الأمين جبرئيل ع فقال اي محمد اتل علي القرآن حتى أعرفك أوائل السور و أواخرها و شأن نزولها فاجتمع إليه علي بن أبي طالب و ولداه الحسن و الحسين ع و أبي بن كعب و عبد اللّه بن مسعود و حذيفة بن اليمان و جابر بن عبد اللّه الأنصاري و أبو سعيد الخدري و حسان بن ثابت و جماعة من الصحابة رضي اللّه عن المنتجبين منهم فقرأ النبي ص القرآن من أوله إلى آخره فكان كلما مر بموضع فيه اختلاف بينه له جبرئيل ع و أمير المؤمنين ع يكتب ذاك في درج من أدم فالجميع قراءة أمير المؤمنين و وصي رسول رب العالمين..

[2]http://amafhhjm.ir/wp/almobin/Amafhhjm/q-tfs-000-000/q-tfs-000-007-00031.html

[3]همان

بازبينى #2
ايجاد شده 15 مارس 2024 19:58:11 توسط ... .
به روزرسانى شده 9 مه 2024 16:04:34 توسط ... .